

دو فصلنامه علمی پژوهشی کتاب قیم
سال هشتم (۱۳۹۷)، شماره نوزدهم

کاوشی در جایگاه رجالی حاتم بن اسماعیل و تأملی در روایات مُسند وی از امام صادق(ع)

رسول محمدجعفری^۱

حمیدرضا بصیری^۲

حسین محقق^۳

چکیده

«حاتم بن اسماعیل کوفی مدنی» از جمله راویان عامی مذهب در اسناد روایات فریقین است که بسیار از امام صادق(ع) نقل روایت کرده است. علمای رجالی اهل سنت، امام صادق(ع) را از مشایخ حاتم معرفی کرده‌اند و رجالیان شیعه، وی را در جرگه اصحاب آن حضرت برشمرده و روایاتش را از ایشان، مُسند تلقی کرده‌اند. این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی در پی پاسخ به این پرسش است که جایگاه رجالی حاتم بن اسماعیل و وضعیت روایات مُسند وی از امام صادق(ع) چگونه است؟ به نظر می‌رسد حاتم روایاتش را بی‌واسطه از امام صادق(ع) نقل نکرده بلکه به صورت مرسل بوده باشد.

به رغم مضمون صحیح بسیاری از روایات حاتم، در مجعول یا محرّف بودن پاره‌ای از آنها تردیدی نیست؛ گرچه احتمال جعل و تحریف روایات از سوی حاتم منتفی است. در مجموع به نظر می‌رسد رویکرد بایسته آن است که در مواجهه با روایات حاتم از امام صادق(ع)، باید احتیاط کرد و روایات او را به مثابه مرسلات، تلقی نمود.

واژگان کلیدی: امام صادق(ع)، حاتم بن اسماعیل، سند، ارسال، جعل، تحریف.

۱. استادیار دانشگاه شاهد (نویسنده مسئول) / rasulmohamadjafari@yahoo.com

۲. استادیار دانشگاه علامه طباطبائی / basiri_hr@yahoo.com

۳. دانشجوی دکتری رشته علوم قرآن و حدیث دانشگاه علامه طباطبائی / hosein.mohagheghi@chmail.ir

۱- مقدمه

در آیین اسلام، بعد از قرآن، احادیث سهم بسزایی در دریافت آموزه‌های دینی ایفا می‌کنند، از این‌روی، همان‌طور که برای شناخت قرآن علوم مختلفی شکل گرفت، برای شناخت احادیث نیز دانش‌های گوناگونی مانند علم رجال به وجود آمد، علمی که در آن از احوال راویان به جهت دارا بودن یا فقدان ویژگی‌های قبول اخبار بحث می‌شود (سبحانی، ۱۴۱۰، ص ۱۱). بنابراین، علم رجال مقوم اصالت روایات است.

راویان عامی مسلک در بسیاری از اسناد روایات شیعه قرار دارند. براساس دیدگاه حدیث‌پژوهان شیعه، در صورتی که در سند روایتی، راوی عامی وجود داشته باشد و او و دیگر راویان آن سند، توثیق گردند و سند نیز متصل باشد، حدیث قابل پذیرش خواهد بود که در اصطلاح به این حدیث، حدیث موثق می‌گویند (عاملی، بی‌تا، ج ۱، ص ۴/ کجوری شیرازی، ۱۳۸۲، ص ۱۸) و در صورتی که یکی از سه محور پیش‌گفته (عدم وثاقت راوی عامی، عدم وثاقت دیگر راویان و عدم اتصال سند) دچار خدشه باشد؛ روایت ضعیف تلقی می‌شود (کجوری شیرازی، ۱۳۸۲، صص ۱۸۷-۱۸۸).

یکی از راویان عامی که در اسناد روایات فریقین از امام صادق(ع) فراوان حدیث نقل کرده، حاتم بن اسماعیل کوفی مدنی است، از این‌روی، کتب رجالی به معرفی او پرداخته‌اند. کتاب‌های رجال اهل سنت، امام صادق(ع) را از مشایخ حاتم بن اسماعیل برشمرده و کتب رجال شیعه، وی را در شمار اصحاب امام صادق(ع) آورده و روایات او از آن حضرت را مُسند تلقی کرده‌اند. بنا به جستجوهای انجام شده، تاکنون معرفی حاتم بن اسماعیل و بررسی روایات مُسند او از امام صادق(ع) موضوع هیچ پژوهشی نبوده، در حالی که با توجه به حجم روایات فراوانی که از حاتم در مصادر حدیثی فریقین گزارش شده است، انجام پژوهشی مستقل در این زمینه ضروری به نظر می‌رسد، لذا این نوشتار با روش توصیفی-تحلیلی، در پی پاسخ به این پرسش است که جایگاه رجالی حاتم بن اسماعیل و وضعیت روایات مُسند وی از امام صادق(ع) چگونه است؟

برای پاسخ به پرسش بالا، در این جستار ابتدا، حاتم بن اسماعیل معرفی و اقوال رجالیان در جرح و تعدیل وی به بحث گزارده می‌شود، سپس دلایل تشکیک در نقل روایات مُسند وی از امام صادق(ع) مطرح می‌گردد. در ادامه، روایات حاتم بن اسماعیل از امام صادق(ع) در جوامع روایی فریقین، گونه‌شناسی و در نهایت، به مجعول یا محرّف بودن پاره‌ای از روایات وی از امام صادق(ع) اشاره می‌شود.

۲- حاتم بن اسماعیل در کتب رجال فریقین

حاتم بن اسماعیل مکنی به ابو اسماعیل، هم‌پیمان «بنی عبدالمدان بن دیان» از قبیله «بنی حارث بن کعب» است. حاتم در کوفه به دنیا آمده و از آنجا به مدینه مهاجرت کرده است (ابن سعد، بی تا، ج ۵، ص ۴۲۵). از این رو، شیخ طوسی در شرح حال او آورده است: «المدنی أصله کوفی» (طوسی، ۱۳۸۱، ص ۱۹۴). در کتب رجال و تراجم، درباره زمان هجرت حاتم به مدینه گزارشی در دست نیست و حتی از تاریخ ولادت وی هم سخنی به میان نیامده است، اما در منابعی آمده است که حاتم پس از مهاجرت تا وفات، یعنی سال ۱۸۶ ق - که مصادف با دوران خلافت هارون الرشید بود- در مدینه ماند (همان). بخاری با اندکی اختلاف نسبت به ابن سعد، تاریخ وفات حاتم را جمعه هفتم جمادی‌الاولی سال ۱۸۷ ق نوشته است (بخاری، بی تا، ج ۳، ص ۷۷/ خلف باجی، بی تا، ج ۱، ص ۵۲۷).

۲-۱- جرح و تعدیل حاتم بن اسماعیل

در کتب رجال اهل سنت، در جرح و تعدیل حاتم بن اسماعیل گفته‌های مختلفی وجود دارد؛ برخی همچون نسائی در «الضعفاء و المتروکین» او را قوی نمی‌دانند (نسائی، ۱۴۰۶، ص ۱۶۸). از «احمد بن حنبل» نیز نقل است که برخی ادعا کرده‌اند که حاتم در نقل حدیث با اتکا به حافظه، به غفلت دچار می‌شده، معذک کتاب حدیثی او صلاحیت نقل روایت دارد (رازی، ۱۳۷۱، ج ۳، ص ۲۵۷/ مزّی، ۱۴۰۶، ج ۵، ص ۱۹۰). در مقابل، بسیاری از رجالیان اهل سنت وی را توثیق کرده‌اند (ذهبی، ۱۴۰۷، ج ۱۲، ص ۱۰۸/ صفدی، ۱۴۲۰، ج ۱۱، صص ۱۸۰-۱۸۱)؛ چنان‌که ابن سعد در «الطبقات الکبری» درباره او می‌نویسد: «کان ثقة مأمونا کثیر الحدیث» (ابن سعد، بی تا، ج ۵، ص ۴۲۵) و عجللی در «معرفة الثقات (عجللی، ۱۴۰۵، ج ۱، ص ۲۷۵) و ابن حبان وی را در جرگه ثقات آورده‌اند (ابن حبان، ۱۳۹۳، ج ۸، ص ۲۱۰).

مزّی در «تهذیب الکمال» و ابن حجر در «تهذیب التهذیب» از نسائی درباره وی چنین نقل می‌کنند: «لیس به بأس» (مزّی، ۱۴۰۶، ج ۵، ص ۱۹۰/ ابن حجر، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۱۱۱)، که این گزارش بر خلاف گفته پیشین نسائی در جرح حاتم است. ذهبی و ابن حجر نیز از او با عنوان صدوق یاد کرده‌اند (ذهبی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۴۲۸/ ابن حجر، ۱۴۰۵، ج ۱، ص ۱۷۰).

حاتم بن اسماعیل در اسناد روایات مؤلفان صحاح سته، یعنی بخاری، مسلم، أبوداؤد، ترمذی، نسائی و ابن ماجه قرار دارد (صفدی، ۱۴۲۰، ج ۱۱، صص ۱۸۰-۱۸۱) و این شاهدهی

دیگر بر توثیق حاتم از منظر محدثان اهل سنت است. بنابر مجموع آراء و شواهد، قول به توثیق حاتم در میان اهل سنت، اقوی از تضعیف وی است.

نام حاتم در اسناد روایات شیعی نیز واقع شده (برای نمونه ر.ک: کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۲۲۴/ ج ۶، صص ۳۸۳، ۴۶۹، ۴۷۵ و ۴۷۶) و کتب رجال شیعه نام او را ثبت کرده‌اند، اما از جرح و تعدیل وی سخنی به میان نیاورده‌اند و نجاشی و ابن داود او را از رجال عامه می‌دانند (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۱۳۲/ ابن داود، ۱۳۹۲، ص ۲۳۶) و برقی، نجاشی و شیخ طوسی او را از اصحاب امام صادق (ع) به شمار آورده‌اند (برقی، ۱۳۴۲، ص ۴۴/ نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۱۴۷/ طوسی، ۱۳۸۱، ص ۱۹۴).

نجاشی و شیخ طوسی حاتم را صاحب کتاب می‌دانند و هر یک با طریق متفاوت خود به کتاب او اشاره کرده‌اند؛ طریق نجاشی تا امام صادق (ع) به این صورت است: «عن جعفر بن محمد، عن محمد بن أحمد بن إبراهيم بن سليمان، عن أبي عبدالله الحسين بن علي بن الحسن العلوي الحسيني، عن أبيه، عن حاتم بن إسماعيل، عن جعفر بن محمد بكتابه» (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۱۳۲) و طریق شیخ طوسی چنین است: «عدة من أصحابنا، عن أبي المفضل، عن حميد، عن إبراهيم بن سليمان، عن حاتم» (طوسی، ۱۴۲۰، ص ۱۱۸) که طریق شیخ طوسی به ابی‌المفضل ضعیف است (خویی، ۱۴۱۳، ج ۵، ص ۱۵۹).

به نظر می‌رسد که اتهام برخی از علمای رجال اهل سنت در خصوص نقل روایت حاتم بن اسماعیل از ضعف یا جرح او، به دلیل قرار گرفتن وی در طرق روایات شیعه باشد.

۲-۲- مشایخ حدیثی حاتم بن اسماعیل

کتاب‌های رجال معمولاً، پس از شناساندن راوی، به معرفی مشایخ حدیث - استادان حدیثی راویان - می‌پردازد. رجالیان اهل سنت، مشایخ حدیثی حاتم بن اسماعیل را بین ۲ تا ۴۷ نفر ذکر کرده‌اند. برای نمونه، بخاری در تاریخ کبیر، بشیر بن مهاجر، هاشم بن اسحاق و جعفر بن محمد (ع) را از مشایخ او دانسته است (بخاری، بی‌تا، ج ۳، ص ۷۷). ابوحاتم رازی جعد بن اوس، ابن حرمله، محمد بن ابی‌یحیی، ابی‌صخر و جعفر بن محمد (ع) را مشایخ حاتم می‌داند (رازی، ۱۳۷۱، ج ۳، ص ۲۵۷). ابن حبان از دو نفر به عنوان مشایخ حاتم نام می‌برد: بشیر بن المهاجر و جعفر بن محمد (ع) (ابن حبان، ۱۳۹۳، ج ۸، ص ۲۱۰). ذهبی به هفت شیخ وی اشاره کرده است:

هشام بن عروه، یزید بن اُبی عبید، خثیم بن عراق، جمید بن عبدالرحمن، معاویه بن اُبی مزرد، عمران القصیر و جعفر صادق (ع) (ذهبی، ۱۴۱۳، ج ۸، ص ۵۱۸/ همو، ۱۴۰۷، ج ۱۲، ص ۱۰۷).
مزّی در تهذیب الکمال تعداد مشایخ حدیثی حاتم را به ۴۷ نفر رسانده که از جمله آنها امام صادق (ع) است (مزّی، ۱۴۰۶، ج ۵، ص ۱۸۷). ابن حجر بیش از ۱۲ نفر را به عنوان مشایخ حاتم برشمرد، اما امام جعفر صادق (ع) را جزء آنها نیاورده است (ابن حجر، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۱۱۰)، در این که چرا ابن حجر، امام صادق (ع) را در ردیف مشایخ حاتم ذکر نکرده، نکته مهمی وجود دارد که در همین پژوهش بدان پرداخته می شود.

۳- تشکیک در نقل روایات مُسند حاتم بن اسماعیل از امام صادق (ع)

بسیاری از کتب رجال اهل سنت، امام صادق (ع) را در زمره مشایخ حاتم بن اسماعیل یاد کرده و کتب رجال شیعه نیز به اتفاق، وی را جزء اصحاب امام صادق (ع) دانسته اند و گویا روایات فراوان حاتم بن اسماعیل از امام صادق (ع) در جوامع روایی فریقین، شاهدی بدون مناقشه بر این مدعا است، اما به رغم اقوال رجالیان و روایات فریقین، به نظر می رسد حاتم به طور مستقیم، از امام صادق (ع) نقل حدیث نکرده و احتمالاً، در جرگه شاگردان و راویان ایشان نبوده است.

نخستین کسی که به این حقیقت پی برده، علی بن مدینی (م. ۲۳۴ ق) - از پیشوایان حدیثی عامّه - است؛ ابن حجر از او چنین نقل می کند: «روی [حاتم بن اسماعیل] عن جعفر عن اُبیهِ اُحادیث مراسیل اُسندها» (ابن حجر، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۱۱۱): «حاتم بن اسماعیل از جعفر - امام صادق (ع) - از پدرش - امام باقر (ع) - احادیث مرسل نقل و آنها را به ایشان اسناد داده است». علاوه بر آن، ابن حجر، با این که بیش از ۱۲ نفر از مشایخ حاتم را یاد کرده، امام صادق (ع) را جزء آنها نیاورده است (همان، ج ۲، ص ۱۱۰). پیش از ابن حجر، سلیمان بن خلف باجی (م. ۴۷۴ ق) نیز در کتاب «التعدیل و التجریح» همین سخن علی بن مدینی را درباره حاتم گزارش کرده است (ر.ک: خلف باجی، بی تا، ج ۱، ص ۵۲۷).

ظاهراً، خلف باجی و ابن حجر سخن علی بن مدینی را درباره حاتم بن اسماعیل صحیح می دانسته اند که آن را بدون نقد، گزارش کرده اند. سخن علی بن مدینی نیز قطعاً مستظهر به دلیل یا دلایلی بوده که اکنون بدانها دسترسی نداریم، اما با توجه به قول وی می توان حدس زد که به هنگام حیات امام صادق (ع)، حاتم یا در مدینه نبوده یا در صورت حضور، با امام صادق (ع)

ملاقات نداشته است. اگرچه، احتمالاً حاتم بخش عمده‌ای از عمر خود را در مدینه گذرانده است، با وجود این، معلوم نیست که حضور او در مدینه هنگام حیات امام صادق (ع) بوده؛ زیرا همان‌طور که گذشت، وی متوفای سال ۱۸۶ یا ۱۸۷ ق. است و امامت امام صادق (ع) در سال‌های ۱۱۴ تا ۱۴۸ ق بوده است (مفید، ۱۴۱۳، ج ۲، صص ۱۷۹-۱۸۰)، بنابراین، حدود چهل سال بین شهادت امام (ع) تا وفات حاتم فاصله وجود دارد، و به احتمال قوی مهاجرت حاتم از کوفه به مدینه پس از دوران شهادت امام صادق (ع) بوده است.

این احتمال نیز وجود دارد که در صورت حضور حاتم در ایام حیات امام صادق (ع)، امکان ملاقات با آن حضرت فراهم نبوده؛ زیرا دوازده سال پایانی عمر امام (ع) با خلافت منصور هم‌زمان بود و از آن‌جا که امام در آن زمان از شهرت علمی برخوردار و مورد توجه بسیاری از فقیهان و محدثان اهل سنت بوده است، قطعاً منصور باتوجه به کینه شدیدی که نسبت به علویان داشت، آن حضرت را به شدت زیر نظر گرفته و اجازه زندگی آزاد به او نمی‌داد (جعفریان، ۱۳۸۶، ص ۳۶۷). منصور برای محدود ساختن هرچه بیشتر امام (ع) و تعطیلی جلسات علمی ایشان، حق افتا را در انحصار عالمان عامه قرار داد، چنان‌که در گزارش ابن خلکان آمده است: منادی‌ای در مدینه ندا سر می‌داد که جز مالک بن انس و ابن ابی ذئب دیگری حق فتوا ندارد (ابن خلکان، بی‌تا، ج ۴، ص ۱۳۵)، یا براساس نقل ذهبی، منصور در جلسه‌ای، مالک را اعقل و اعلم مردم خطاب کرد و سوگند خورد که اگر زنده بماند اقوال او را بسان آیات قرآن بنگارد و به تمام شهرها بفرستد و مردم را به عمل بدان‌ها وادار کند (ذهبی، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۰۹). بنابراین، به فرض حضور حاتم در شهر مدینه به هنگام حیات امام صادق (ع)، امکان ملاقات وی با آن حضرت در چنین فضای اختناق‌آمیز، برای او که از راویان عامه قلمداد می‌گردید، ممکن نبوده است.

باری به نظر می‌رسد علی بن مدینی براساس یکی از این دو احتمال پیشین است که روایات حاتم از امام صادق (ع) را مرسل دانسته است.

ممکن است گفته شود با توجه به این‌که امام صادق (ع) بارها به وسیله حکومت عباسی به عراق احضار گردیده (مظفر، ۱۴۲۱، ج ۱، ص ۱۲۳)؛ احتمال دارد که حاتم بن اسماعیل محضر امام را در کوفه درک کرده باشد؛ در پاسخ به این سخن باید گفت: اولاً در هیچ یک از نصوص به حضور امام (ع) در مرکز شهر کوفه اشاره نشده است، بلکه چنان‌که خواهد آمد، ایشان در شهر حیره - سه میلی کوفه، در منطقه‌ای که بدان نجف گفته می‌شود (حموی، ۱۹۹۵، ج ۲،

ص ۳۲۸) - سکنی گزیده بودند؛ ثانیاً بنا بر روایات، امام (ع) در ایام حکومت سَفّاح^۱ و منصور^۲ در حیره حضور داشته، ولی در آنجا تحت مراقبت و نظارت حکومت بوده است و مردم نمی‌توانستند به راحتی نزد امام بیایند و از محضر علمی و معنوی آن حضرت بهره‌مند گردند (مطهری، ۱۳۸۳، ص ۴۸۲/ مظفر، ۱۴۲۱، ج ۱، ص ۲۶)، همان‌طور که براساس روایتی معروف، در زمان حضور امام (ع) در حیره، یکی از شیعیان برای سؤال از حکم شرعی سه طلاق کردن، خود را پنهانی و در لباس فردی خیارفروش به امام (ع) رساند (ر.ک: قطب الدین راوندی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۶۴۲)، یا طبق روایاتی امام (ع) در حیره و در حضور سَفّاح از روی تقیّه روزه خود را افطار می‌کند (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۴، صص ۸۳-۸۴).

اگرچه تنها مدرک موجود در کتاب‌های رجالی درخصوص ارسال روایات حاتم از امام صادق (ع) همان گزارش خلف‌باجی و ابن حجر از علی بن مدینی است، با وجود این، شواهد و قرائنی در دست است که می‌توان سخن علی بن مدینی را تقویت کرد تا این مطلب را تأیید کند که حاتم نقل بی‌واسطه روایت از امام صادق (ع) نداشته است و این قرائن بدین شرحند:

۱- بر اساس گزارش ابن‌سعد، حاتم بن اسماعیل در اصل اهل کوفه بوده و بعدها در مدینه سکنی گزیده و در سال ۱۸۶ ق. در دوران خلافت هارون الرشید بدرود حیات گفته است (ابن‌سعد، بی‌تا، ج ۵، ص ۴۲۵)، این در حالی است که دوران امامت امام کاظم (ع) به مدت سی و پنج سال و طی سال‌های ۱۴۸ تا ۱۸۳ ق. بوده (مفید، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۲۱۵) و تا سال ۱۷۹ ق. که هارون الرشید دستور توقیف ایشان را صادر کرد، در مدینه به سر می‌برده است (جعفریان، ۱۳۸۶، ص ۴۰۱/ مفید، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۲۳۹)، جای تأمل است که چگونه حاتم بن اسماعیل محضر امام صادق (ع) را در مدینه درک و از آن حضرت حدیث نقل کرده باشد، ولی از امام کاظم (ع) - که سی و پنج سال از امامتش را در مدینه گذرانده - روایتی نقل نکرده است و حتی رجالیان وی را در جرگهٔ راویان ایشان به شمار نیاورده‌اند.

اگر گفته شود که برای امام کاظم (ع) مانند امام صادق (ع) بستر نشر معارف دینی و تربیت شاگردان فراهم نبوده و ایشان فرصت تدریس و بیان روایات نداشته‌اند؛ در پاسخ باید گفت با

۱. کلینی دو روایت درخصوص حضور امام صادق (ع) نزد سَفّاح در شهر حیره نقل کرده است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۴، صص ۸۳-۸۴).

۲. محمد بن مُرّازم از پدرش روایتی درخصوص حضور پدرش به همراه امام صادق (ع) نزد منصور در شهر حیره گزارش کرده است (همان، ج ۸، ص ۸۷).

وجود این که دهه نخست امامت امام کاظم (ع) با حکومت منصور عباسی هم‌زمان بود، مع‌ذک آن حضرت غالباً، به برگزاری جلسات علمی و پرسش و پاسخ برای شیعیان مبادرت می‌وزیدند (خضری و دیگران، ۱۳۹۳، ص ۲۶۰)، هم‌چنین، در دوران ده ساله زمامداری مهدی عباسی، امام کاظم (ع) به تدریس، نقل حدیث، تربیت شاگرد و ایجاد ارتباط میان خود و رهبران شیعه در نواحی مختلف، اشتغال داشتند (جعفریان، ۱۳۸۶، ص ۳۸۶). پس از دوران منصور و مهدی عباسی، در عصر حکومت هارون الرشید تا زمان وفات وی به سال ۱۹۳ ق. (طبری، ۱۳۷۸، ج ۸، ص ۳۴۲) است که امام کاظم (ع) به حبس، فشار و آزار حکومت عباسی دچار گردید و مجالی برای برگزاری جلسات و فعالیت‌هایی اینچنین نداشتند (خضری و دیگران، ۱۳۹۳، ص ۲۶۰). لازم به بیان است که هارون در اوایل حکومت خود، برای امام کاظم (ع) و شیعیان مزاحمت ایجاد نمی‌کرد و با آن که بارها آن حضرت را احضار کرد، اما با مسالمت و احترام با ایشان برخورد می‌کرد^۱ (همان، ص ۲۶۲)، بنابراین، ظاهراً مانعی برای حاتم بن اسماعیل جهت شاگردی و حضور در محضر امام کاظم (ع) وجود نداشته است.

این در حالی است که در بین راویان عامه افرادی هستند که در عصر هر دو امام حضور داشته و در زمره شاگردان ایشان به حساب آمده و از هر دو امام حدیث نقل کرده‌اند. برای نمونه، حفص بن غیاث (م. ۱۹۴ ق.) (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۱۳۴) از راویان عامی مذهب است (طوسی، ۱۴۲۰، ص ۱۵۸). وی از معتمدان هارون الرشید بوده و هارون او را ابتدا در منصب قضاوت بغداد گمارد، سپس قضاوت کوفه را بدو سپرد (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۱۳۴). نجاشی او را در ردیف اصحاب امام صادق (ع) و امام کاظم (ع) برشمرده است (همان، ص ۱۳۵) و آیت‌الله خویی

۱. درباره زندانی شدن امام، اخبار متعدد و مختلفی نقل است. آنچه از مجموع این روایات استفاده می‌شود این که امام کاظم (ع) دو بار به دست هارون به زندان افتاده است که مرتبه دوم آن از سال ۱۷۹ تا ۱۸۳ ق. یعنی به مدت چهار سال به طول انجامیده و به شهادت آن حضرت منجر گردیده و مدت زمان زندان در مرتبه نخست قید نشده است. درباره دلیل زندانی شدن امام غیر از اشارات مورخان، (صدوق، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۹۳) نقل‌هایی حاکی از آزادی امام از اولین زندان هارون است که آن را بسیاری از روایات اخبار بیان کرده‌اند (جعفریان، ۱۳۸۶، ص ۳۹۳). برخی معتقدند که نخستین تاریخ ثبت شده از دستگیری و حبس امام کاظم (ع) در زمان هارون الرشید، به سال ۱۷۹ ق. برمی‌گردد که هارون به حج رفت و در طی جریانی که تاریخ‌نگاران آن را مفصل ذکر کرده‌اند؛ آن حضرت را دستگیر کرده، ابتدا به بصره و سپس، به بغداد فرستاده و سرانجام، در زندان «سندی بن شاهک» به شهادت رسانده است (خضری و دیگران، ۱۳۹۳، ص ۲۶۳).

می‌نویسد: حفص در جوامع روایی شیعه بیش از ۸۷ روایت را از آن دو امام نقل کرده است (خویی، ۱۴۱۳، ج ۶، ص ۱۵۲).

روایات حفص از امام صادق (ع) فراوان است، برای نمونه رجوع کنید به: کافی (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۳۵ و ۴۶)، من لایحضره الفقیه (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۴۰۸ و ۵۱۹)، معانی الأخبار (صدوق، ۱۴۰۳، ص ۳۰ و ۱۵۶) و تهذیب الأحکام (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۱۷۷ و ۲۳۱). برای نمونه‌هایی از روایات حفص از امام کاظم (ع) بنگرید به: کافی (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۶۰۶)، معانی الأخبار (صدوق، ۱۴۰۳، ص ۳۴۳)، تهذیب الأحکام (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۳۷۷)، بنابراین، اگر حاتم بن اسماعیل بسان حفص بن غیاث، امکان درک مستقیم و بلاواسطه امام صادق (ع) را می‌داشت، قاعدتاً باید در جلسات علمی امام کاظم (ع) نیز حضور به هم می‌رساند در حالی که در هیچ یک از کتاب‌های رجالی فریقین به آن اشاره نشده است.

۲- یکی از شروط بخاری در نقل روایات، لقای راوی و مروی‌عنه است (شهرستانی، ۱۴۲۰، ج ۲، ص ۸۴). با توجه به این روش علمی، وی به رغم آن‌که از حاتم بن اسماعیل چند روایت گزارش کرده است^۱، ولی در سند هیچ‌کدام از آن‌ها، امام صادق (ع) دیده نمی‌شود. مؤید آن، سخن خلف‌باجی است که می‌نویسد: بخاری از قعنبی، عبد الله حجبی، قتیبه بن سعید، بشر بن عیسی، ابراهیم بن حمزه و غیر آنان از حاتم بن اسماعیل از کسانی چون هشام بن عروه، یزید بن ابی‌عبید، معاویه بن ابی‌مزدر و جعید بن عبد الرحمن روایت نقل کرده است (خلف‌باجی، بی‌تا، ج ۱، ص ۵۲۷)، پیدا است که وی امام صادق (ع) را در زمره مشایخ حاتم نیاورده است. برخلاف بخاری، مسلم- که در نقل روایت، لقا را شرط ندانسته و صرفاً، هم‌عصر بودن را کافی می‌داند (سبحانی، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۷۱)- چند روایت به‌واسطه حاتم بن اسماعیل از امام صادق (ع) نقل کرده است.^۲

۱. برای نمونه: حدثنا حاتم بن اسماعیل عن الجعد ... (بخاری، ۱۴۰۱، ج ۱، ص ۵۵). حدثنا عبدالرحمن بن یونس حدثنا حاتم ابن اسماعیل عن محمد بن یوسف ... (همان، ج ۲، ص ۲۱۹). حدثنا حاتم بن اسماعیل عن یزید بن ابی‌عبید ... (همان، ج ۳، ص ۱۰۹). حدثنا حاتم ابن اسماعیل عن محمد بن یوسف ... (همان، ج ۵، ص ۳۳).

۲. برای نمونه: قتیبه عن حاتم بن اسماعیل عن جعفر بن محمد عن محمد بن المنکدر ... (مسلم، بی‌تا، ج ۲، ص ۴۹). شبیهة قال حدثنا حاتم بن اسماعیل ح و حدثنا قتیبه حدثنا عبد الغزیز یعنی الدراوردی کلاهما عن جعفر عن أبیه ... (همان، ج ۳، ص ۱۵). حدثنا أبوبکر بن أبی‌شبهة و إسحاق بن ابراهیم کلاهما عن حاتم بن اسماعیل عن جعفر بن محمد عن أبیه ... (همان، ج ۵، ص ۱۹۷).

ممکن است اشکال شود که بخاری به خاطر تعصب به مذهب خود و مخالفتی که نسبت به شیعه روا داشته، به واسطه حاتم از امام صادق (ع) روایتی گزارش نکرده است؛ در پاسخ باید گفت: اولاً، هر چند بخاری در نقل روایات مربوط به فضایل و مناقب اهل بیت (ع) بخل داشته است، روایات حاتم بن اسماعیل از امام صادق (ع) در موضوعات فقهی و سیره است، بنابراین، ظاهراً انگیزه‌ای بر عدم نقل بخاری جز دلیل پیش گفته (عدم لقای راوی و مروی عنه) وجود ندارد؛ ثانیاً، بخاری به رغم دخالت دادن تعصب مذهبی در نقل روایات، چندین روایت از امامان شیعه (ع) گزارش کرده است که روایات وی از امام علی بن حسین (ع) (بخاری، ۱۴۰۱، ج ۲، ص ۲۵۸ و ج ۶، ص ۱۲۴)، و احادیث او از امام محمد بن علی (ع) (همان، ج ۱، ص ۶۹؛ ج ۳، ص ۵۷-۵۸ و ۱۶۳؛ ج ۴، ص ۵۶؛ ج ۵، ص ۷۸ و ۱۲۱)، از آن جمله هستند.

۴- گونه‌شناسی روایات حاتم بن اسماعیل از امام صادق (ع) و تأملی در پاره‌ای از آن‌ها
در جوامع روایی فریقین به واسطه حاتم بن اسماعیل روایات فراوانی در موضوعات و ابواب مختلف از امام صادق (ع) گزارش شده که البته، غالب آن‌ها نیز در جوامع روایی اهل سنت جای گرفته‌اند. در ادامه تحقیق، ابتدا به گونه‌شناسی این روایات پرداخته می‌شود، سپس، نمونه‌وار در خصوص انتساب برخی از آن‌ها به امام صادق (ع) تشکیک می‌گردد.

۴-۱- گونه‌شناسی روایات حاتم بن اسماعیل از امام صادق (ع) در جوامع روایی فریقین
ذیل این عنوان گونه‌های روایات حاتم از امام صادق (ع) در دو بخش جوامع روایی اهل سنت و شیعه به تفصیل ذیل گزارش می‌گردد:

الف) روایات حاتم بن اسماعیل از امام صادق (ع) در جوامع روایی اهل سنت: با جستجوی انجام شده در جوامع روایی اهل سنت، روایات حاتم از امام صادق (ع) با حذف مشابهات، ۱۱۴ روایت در موضوعات مختلف معارفی، فقهی و سیره است. وی در موضوعات معارفی، پنج روایت (برای نمونه ر.ک: بیهقی، بی تا، ج ۱، ص ۴۲۵ / ابن ابی شیبّه، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۲۴۴ / حاکم نیشابوری، بی تا، ج ۲، ص ۲۸۴ / ابوداؤد، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۲۴۳)، در ابواب فقهی-

که بیشترین حجم روایات را در بر دارد. ۹۰ روایت، در مسائل متنوع فقهی^۱ و در خصوص سیره معصومان (ع) و صحابه، ۱۹ روایت^۲ نقل کرده است.

ب) روایات حاتم بن اسماعیل از امام صادق (ع) در جوامع روایی شیعه: در جوامع روایی شیعه، از حاتم در مجموع ۸ روایت - که نوعاً فقهی هستند - به نقل از امام صادق (ع) گزارش شده است: سیره پیامبر (ص) (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۴۷۵)، احکام نوشیدن (برقی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۵۸۰/کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۳۸۳)، عکس و نقاشی (برقی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۶۱۷)، نفقه (کلینی،

۱. ا) طهارت: دو روایت (رک: ابن ابی شیبیه، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۱۸۱ و ۲۱۳)؛ (ب) صلاة: سیزده روایت (برای نمونه رک: شافعی، بی تا، ص ۵۷/مسلم، بی تا، ج ۲، ص ۴۹ و ج ۳، ص ۱۵/نسائی، ۱۳۴۸، ج ۱، ص ۲۸۴ و ج ۲، ص ۴۳۳ و ج ۱، ص ۴۷۷؛ ابن ابی شیبیه، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۳۸۳ و ج ۲، ص ۱۱۷؛ ابی داوود، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۴۲۸/بخاری، ۱۴۰۴، ص ۹۵/قاری، بی تا، ص ۲۳۷/بیهقی، بی تا، ج ۲، ص ۸۶ و ج ۳، ص ۱۲۲/ و ج ۳، ص ۱۸۱)؛ (ج) زکات: ۷ روایت (برای نمونه رک: ابن ابی شیبیه، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۱۰ و ۴۹/بیهقی، بی تا، ج ۳، ص ۳۲۲ و ج ۴، ص ۱۳۱ و ج ۴، ص ۱۶۱ و ج ۵، ص ۱۵۲)؛ (د) حج: ۴۴ روایت (برای نمونه رک: نسائی، ۱۳۴۸، ج ۲، ص ۴۱۳ و ج ۵، ص ۲۶۳/ابن حبان، ۱۴۱۴، ج ۴، ص ۳۰۴/دارمی، ۱۳۴۹، ج ۲، ص ۴۴/ابن راهویه، ۱۴۱۲، ج ۵، ص ۳/ابن حبان، ۱۴۱۴، ج ۴، ص ۳۰۴/ابن ابی شیبیه، ۱۴۰۹، ج ۴، ص ۲۲۹/نیشابوری، ۱۴۰۸، ص ۱۰۹/بیهقی، بی تا، ج ۱، ص ۴۲۹ و ج ۴، ص ۱۰۴ و ج ۵، ص ۱۱۲)؛ (ه) بیع: ۴ روایت (رک: ابن ابی شیبیه، ۱۴۰۹، ج ۵، ص ۱۲۲ و ج ۵، ص ۳۰۲ و ج ۶، ص ۱۹۰ و ج ۷، ص ۱۷ و ج ۸، ص ۴۰۶)؛ (و) نکاح و طلاق: ۸ روایت (برای نمونه رک: بیهقی، بی تا، ج ۷، ص ۳۳۵/ابن ابی شیبیه، ۱۴۰۹، ج ۴، ص ۱۸ و ج ۵، ص ۱۳۳ و ج ۸، ص ۳۸۳/ابن راهویه، ۱۴۱۲، ج ۴، ص ۱۰۸ و ۱۴۵)؛ (ز) حدود و دیات: ۴ روایت (رک: بیهقی، بی تا، ج ۸، ص ۳۸/ابن حجر، بی تا، ج ۱۲، ص ۷۱/مسلم، بی تا، ج ۵، ص ۱۹۷/ابن ابی شیبیه، ۱۴۰۹، ج ۶، ص ۴۸۴)؛ (ح) ابواب متفرقه: ۸ روایت که در ۸ باب (هر بابی یک روایت) گزارش شده است: جهاد (ترمذی، ۱۴۰۳، ج ۳، ص ۵۷)، صوم (ابن ابی شیبیه، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۴۹۹)، احکام عکس و نقاشی (همان، ج ۶، ص ۷۱)، احکام سوار شدن بر مرکب (همان، ج ۷، ص ۱۱۶)، ارث (همان، ج ۴، ص ۱۵۱)، احکام شهر مکه (همان، ج ۴، ص ۲۸۹)، احکام اکل (همان، ج ۵، ص ۵۷۱)، احکام نذر (همان، ج ۶، ص ۴۵۷).

۲- ا) سیره پیامبر (ص): ۸ روایت (برای نمونه رک: ابی الدنيا، بی تا، ص ۱۱۴/نسائی، ۱۳۴۸، ج ۵، ص ۴۷۸/بیهقی، بی تا، ج ۷، ص ۷۲/ابن ماجه، بی تا، ج ۱، ص ۱۶۴/ابن ابی شیبیه، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۲۱ و ج ۵، ص ۵۱۳ و ج ۷، ص ۴۰۹ و ج ۸، ص ۴۱۱ و ۴۶۸)؛ (ب) سیره امام علی (ع): ۲ روایت (رک: ابن ابی شیبیه، ۱۴۰۹، ج ۶، ص ۱۲۱ و ج ۷، ص ۴۸۶)؛ (ج) سیره امام حسن (ع): ۴ روایت (رک: طبرانی، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۲۰/ابن ابی شیبیه، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۲۳۷ و ج ۴، ص ۱۷۲ (دو روایت)؛ (د) سیره حسنین (ع): ۲ روایت (رک: ترمذی، ۱۴۰۳، ج ۳، ص ۱۴۲/ابن ابی شیبیه، ۱۴۰۹، ج ۶، ص ۶۳)؛ (ه) سیره امام سجاد (ع): یک روایت (رک: همان، ج ۱، ص ۳۸۳)؛ (ز) سیره صحابه: ۳ روایت (رک: طبرانی، بی تا، ج ۲، ص ۱۸۲/ابن ابی شیبیه، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۱۱۲ و ج ۷، ص ۳۱).

۱۴۰۷، ج ۵، ص ۲۲۴ / طوسی، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۷۸ و ۷۹، تختّم (همان، ج ۶، ص ۴۶۹ و ۴۷۶)، سوار شدن بر مرکب (برقی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۶۳۵)، حج (طوسی، ۱۴۱۴، ص ۴۰۱ و ۴۰۲) و اکل (ابنا بسطام، ۱۴۱۱، ص ۶۲).

شایان ذکر است شش روایت (حج، تختّم، سوار شدن بر مرکب، عکس و نقاشی، نوشیدن و نفقه) با سندهای متفاوت، ولی با مضامین مشترک در جوامع روایی اهل سنت نیز گزارش شده است.

۳-۲- تأملی در پاره‌ای از روایات حاتم بن اسماعیل از امام صادق(ع)

در جوامع حدیثی از حاتم روایاتی به نقل از امام صادق(ع) گزارش شده که در مجعول یا محرف بودن آنها هیچ تردیدی نیست. وجود حاتم در اسناد آنها از سه حالت خارج نیست:

- ۱- حاتم این روایات را جعل یا تحریف کرده باشد؛ ۲- حاتم ناآگاهانه و به دلیل ارسال روایات از امام صادق(ع)، آنها را از واضعان نقل کرده باشد؛ ۳- جاعلان حدیث آنها را وضع کرده و برای اعتبار دادن به سند، نام حاتم را در آنها درج کرده باشند.

از این سه احتمال، احتمال اول تقریباً منتفی است؛ زیرا با توجه به وثاقتی که حاتم نزد عامه دارد و با عنایت به عدم جرح او در میان رجالیان شیعه، بعید است که او به جعل و تحریف روایات اقدام کرده باشد، بنابراین، احتمال دوم و سوم قوت می‌گیرد. براساس احتمال دوم، این امکان وجود دارد که روایات از زبان امام صادق(ع) جعل شده باشد و چون حاتم نزد آن حضرت، حاضر نبوده و به‌طور مستقیم، حدیث را از ایشان شنیده، از روی قصور به راوی یا راویان اعتماد کرده و روایات را گزارش نموده است.

احتمال سوم نیز بعید نیست، زیرا جاعلان حدیث، برای قبولاندن روایت، علاوه بر جعل متن حدیث، سند آن را نیز وضع می‌کردند. مؤید این ادعا، روایت یونس بن عبد الرحمان است، آن‌جا که می‌گوید: «به عراق رفتم، در آن‌جا برخی اصحاب امام باقر(ع) و بسیاری از اصحاب امام صادق(ع) را یافتم، از آنان حدیث شنیده و کتاب‌هایشان را گرفتم، آنها را بر امام رضا(ع) عرضه کردم، امام(ع) بسیاری از احادیث را از امام صادق(ع) ندانست، سپس، فرمود: ابوالخطاب (مغیره بن سعید) به امام صادق(ع) دروغ می‌بست، خدا ابوالخطاب و اصحاب او را لعنت کند که تا امروز در کتاب‌های اصحاب امام صادق(ع) دستبرده و تغییر می‌دادند» (کشی، ۱۴۰۹، ص ۲۲۴).

اکنون با این مقدمه نمونه‌هایی از روایات مجعول و محرف منقول از حاتم گزارش و در بوته نقد نهاده می‌شود:

الف- مطلق بودن امام حسن (ع):

حاتم بن اسماعیل از امام صادق (ع) نقل کرده است که امام علی (ع) به کوفیان فرمود: «ای مردم کوفه، حسن را زن مدهید؛ زیرا او مردی مطلق است. مردی از قبیله همدان گفت: به خدا سوگند، دختران خود را به همسری او در می‌آوریم، اگر پسندید نگاهدارد و اگر نپسندید طلاق دهد»^۱ (ابن ابی شیبه، ۱۴۰۹، ج ۴، ص ۱۷۲/ ابن سعد، ۱۴۱۶، ص ۷۰). در روایتی دیگر حاتم از امام صادق (ع) به نقل از امام علی (ع) روایت می‌کند که فرمود: «حسن (ع) پیاپی زن می‌ستاند و طلاق می‌داد و من گمان بردم که این طلاقها سبب دشمنی بین قبائل گردد» (ابن ابی شیبه، ۱۴۰۹، ج ۴، ص ۱۷۲).

نقل این روایات از امام صادق (ع) تأمل برانگیز است. از نظر سیاسی، دوران امامت ایشان با آغاز حکومت عباسیان مقارن شده بود، با بررسی‌های تاریخی این احتمال قوت می‌گیرد که این اتهام ناروا در آغاز خلافت بنی‌عباس پدیدار شده باشد؛ زیرا در همان دوران، بر زبان منصور دوانیقی- مخالف سرسخت اهل بیت (ع) و قاتل فرزندان امام مجتبی (ع)- جاری شده است. مسعودی در مروج الذهب چنین گزارش کرده است: منصور پس از دستگیری عبدالله بن حسن، برادران و دیگر یاران اهل بیت (ع) که همراه با او قیام کرده بودند، بر منبر رفته، حمد و ثنای خداوند را به جای آورده و بر محمد (ع) درود فرستاده، آنگاه گفت: «ای اهالی خراسان، شما پیروان و یاوران مایید، اگر با غیر از ما بیعت کنید، با بهتر از ما بیعت نکرده‌اید، سوگند به خداوند بی‌همتا، ما فرزندان ابوطالب را با خلافت و انهادیم و به هیچ روی متعرض آنان نشدیم، تا آن که علی بن ابی‌طالب خلافت را به دست گرفت و موفق نشد، ناچار به حکمیت تن داد. مردم در صلاحیت زمامداری او به اختلاف نظر دچار شده و یکپارچگی آنان از هم گسیخت، تا آن که پیروان و یاران و معتمدانش بر او شوریده، او را به قتل رساندند. پس از وی، حسن بن علی

۱. قال: أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عُمَرَ، قَالَ: حَدَّثَنِي حَاتِمُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ، عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ أَبِيهِ، قَالَ: قَالَ عَلِيُّ (ع): يَا أَهْلَ الْكُوفَةِ، لَا تَزَوِّجُوا الْحَسْنَ بْنَ عَلِيٍّ فَإِنَّهُ رَجُلٌ مُطْلَقٌ. فَقَالَ رَجُلٌ مِنْ هَمْدَانَ: وَاللَّهِ لَنُزَوِّجَنَّه، فَمَا رَضِيَ أَمْسَكَ وَ مَا كَرِهَ طَلَّقَ.

۲. حَدَّثَنَا حَاتِمٌ عَنْ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: قَالَ عَلِيُّ (ع): مَا زَالَ الْحَسَنُ يَتَزَوَّجُ وَ يُطَلِّقُ حَتَّى حَسِبْتُ أَنْ يَكُونَ عِدَاوَةً فِي الْقَبَائِلِ.

حکومت را به دست گرفت. به خدا سوگند، او مرد حکومت نبود. در قبال اموالی که از معاویه ستاند و وعده ولیعهدی او، فریفته شد. معاویه او را از خلافت خلع کرد و دارایی‌های را که داشت و اموالی را که معاویه بدو داده بود، از چنگش برون آورد. حسن به زنان روی آورد، یک روز ازدواج می کرد و روز دیگر طلاق می داد، زندگانی او بدین منوال سپری می شد تا آن که در بستر جان سپرد» (مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۳۰۰).

براساس این خطبه، یکی از محققان می نویسد: به گمان بسیار قوی منصور اولین جاعل این سخن است و مورخان از او برگرفته اند. علت آن نیز قیام‌هایی است که سادات حسنی به راه انداختند که تا مرز فروپاشی حکومت منصور پیش رفت. در پی آن، منصور عبدالله بن حسن را دستگیر کرد و برای اهالی خراسان خطبه‌ای آکنده از دشنام به امیرمؤمنان(ع) و فرزندانش خواند و در آن چنین دروغی را برساخت و به امام حسن(ع) نسبت داد (قرشی، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۴۵۲). «هاشم معروف حسنی» نیز نوشته است: حاکمان عباسی در بدی و تعصب، دست کمی از امویان نداشتند و با آنان در جعل احادیثی که به ضرر علویان بود، مشارکت داشتند. عباسیان به‌طور ویژه نسبت به حسنی‌ها کینه‌ورزی داشتند؛ زیرا غالب کسانی که علیه ظلم قیام کردند از فرزندان و نوادگان امام حسن(ع) بودند و چون منصور، عبدالله بن حسن - یکی از دو حسنی به پاخاسته علیه ظلم و جور - را دستگیر کرد، در میان جمع فراوانی خطبه خواند و به علی بن ابی طالب(ع)، امام حسن(ع) و همه زادگان ابوطالب دشنام داد (معروف الحسنی، ۱۳۸۲، ج ۲، صص ۵۵۴-۵۵۵).

بنابراین، روایاتِ مطلقیت امام حسن(ع) از اساس دروغ است. چنان‌که گذشت با توجه به اقوال رجالیان درباره حاتم بن اسماعیل و عدم انتساب وی به جعل حدیث، بعید به نظر می‌رسد که او جاعل این احادیث باشد و این جاست که این احتمال تقویت می‌گردد که حاتم حدیثی مجعول و منتسب به امام صادق(ع) را با واسطه نقل کرده باشد، یا واضعان متن و سند روایت را جعل کرده به حاتم نسبت داده باشند.

ب- حدیث ثقلین:

حاتم از امام صادق (ع) از امام باقر (ع) از جابر روایت آورده است که پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «در میان شما کتاب خدا را باقی می‌گذارم تا زمانی که به آن تمسک جویند، گمراه نمی‌شوید»^۱ (ابن شیبّه، ۱۴۰۹، ج ۷، ص ۱۷۵).

در این روایت، پیامبر (ص) مسلمانان را به تمسک به قرآن- بدون ذکر نام اهل بیت (ع)- توصیه کرده است، این در حالی است که در فریقین با اسنادی شبیه به روایت مزبور، پیامبر (ص) تمسک به قرآن همراه با اهل بیت را سفارش فرموده است، چنانکه ترمذی، طبرانی و ابن کثیر به واسطه «زید بن حسن» از امام صادق (ع) از امام باقر (ع) از جابر روایت چنین کرده‌اند: در روز عرفه، پیامبر (ص) را در حال حج سواره بر شترش دیدم که می‌فرمود: «ای مردم، من میان شما کتاب خدا و اهل بیتم را به جای می‌گذارم، تا زمانی که به آن‌ها تمسک جویند، گمراه نمی‌شوید»^۲ (ترمذی، ۱۴۰۳، ج ۵، ص ۳۲۷/ طبرانی، ۱۴۱۵، ج ۵، ص ۸۹/ ابن کثیر، ۱۴۱۹، ج ۷، ص ۱۸۶).

در منابع شیعه نیز با سندی متفاوت از امام باقر (ع) از جابر از پیامبر (ص) نقل است که فرمودند: «من در میان شما دو چیز گرانبها به جای می‌گذارم، ثقل اکبر که کتاب خدا است و ثقل اصغر که اهل بیتم هستند، تا زمانی که به آن‌ها تمسک بجویند به گمراهی و تغییر دچار نمی‌شوید»^۳ (صفار، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۴۱۴).

با توجه به این روایات، اگر روایتی که حاتم از امام صادق (ع) نقل کرده، بدون واسطه گزارش می‌شد، قطعاً باید به تمامی منعکس می‌گردید، نه این‌که بخش مهمی از آن حذف گردد. ظاهراً، خود حاتم نیز انگیزه‌ای برای تحریف روایت نداشته و گزارش دگرسان روایت یا از نقل با واسطه نشأت گرفته است یا جاعلان، سند و متن را بر ساخته‌اند.

۱. حَدَّثَنِي حَاتِمُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ، عَنْ جَعْفَرِ بْنِ أَبِيهِ عَنْ جَابِرِ أْنَا النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «تَرَكْتُ فِيكُمْ مَا إِنْ تَضَلُّوا بَعْدَهُ إِنْ اعْتَصَمْتُمْ بِهِ كِتَابَ اللَّهِ».

۲. حَدَّثَنَا نَصْرُ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْكُوفِيُّ أَخْبَرَنَا زَيْدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: «رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي حَجَّتِهِ يَوْمَ عَرَفَةَ وَهُوَ عَلَى نَاقَتِهِ الْقِصْوَاءِ يَخْطُبُ فَسَمِعْتُهُ يَقُولُ: يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي تَرَكْتُ فِيكُمْ مَا إِنْ أَخَذْتُمْ بِهِ لَنْ تَضَلُّوا كِتَابَ اللَّهِ وَعِتْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي».

۳. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ عَنِ النَّضْرِ بْنِ شُعَيْبٍ عَنِ خَالِدِ بْنِ مَادٍ الْقَلَانِسِيِّ عَنِ رَجُلٍ عَنِ أَبِي جَعْفَرٍ عَنِ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): إِنِّي تَارَكْتُ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ الثَّقَلَ الْأَكْبَرَ وَالثَّقَلَ الْأَصْغَرَ إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَا تَضَلُّوا وَ لَا تَبْدَلُوا... الثَّقَلَ الْأَكْبَرَ كِتَابُ اللَّهِ سَبَبٌ طَرَفُهُ بَيْدُ اللَّهِ وَ سَبَبٌ طَرَفُهُ بِأَيْدِيكُمْ وَ الثَّقَلَ الْأَصْغَرُ عِتْرَتِي وَ أَهْلُ بَيْتِي.

ج- حدیث سه طلاقه کردن در یک مجلس:

حاتم از امام صادق(ع) به نقل از امام باقر(ع) از امام علی(ع) روایت کرده است: «حَدَّثَنَا أَبُو بَكْرِ قَالَ نَا حَاتِمُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنْ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيٍّ قَالَ: إِذَا قَالَ الرَّجُلُ لِمَرْأَتِهِ: أَنْتَ عَلَيٌّ حَرَامٌ فَهِيَ ثَلَاثٌ» (ابن ابی شیبیه، ۱۴۰۹، ج ۴، ص ۵۵): «هرگاه مردی به زنش بگوید تو بر من حرام هستی، به منزله سه طلاقه کردن است».

این روایت به طور قطع از مجعولات است که به امام صادق(ع) نسبت داده شده است. دلایل فراوانی را می توان برای بر ساختگی آن اقامه کرد که پرداختن به همه آنها در این مجال نمی گنجد، اما به تناسب روایت نسبت داده شده به امام، می توان به روایات معارض آن استناد جست. صریح ترین روایت در این باب حدیث صحیح «زُراره» از امام صادق(ع) است که از ایشان می پرسد: نظر شما درباره مردی که به زنش می گوید تو بر من حرام هستی، چیست؟ محدثان عراق از امام علی(ع) نقل کرده اند که ایشان آن را به منزله سه طلاق قرار می داد. امام صادق(ع) فرمودند: «آنان دروغ می گویند، علی(ع) این جمله را به منزله طلاق قرار نداده است و اگر قدرت داشتم سر آنان را می شکستم»^۱ (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۱۳۵).

بر اساس این روایت، نه تنها امام صادق(ع) از امام علی(ع) جمله «أَنْتَ عَلَيٌّ حَرَامٌ» را نقل نکرده، بلکه نسبت این سخن را به ایشان به شدت رد کرده است و آن را دروغی بیش نمی داند.

نتیجه گیری

بر اساس آنچه گذشت در جوامع روایی فریقین، حاتم بن اسماعیل روایات متعددی از امام صادق(ع) نقل کرده است. از این روی، کتب رجال اهل سنت و شیعه وی را از شاگردان و صحابه امام صادق(ع) معرفی کرده اند. رجالیان عامه، غالباً حاتم را توثیق نموده و رجالیان شیعه از مدح و ذم او سخنی به میان نیاورده اند. صرف نظر از وثاقت یا عدم وثاقت وی، با بررسی های صورت گرفته به نظر می رسد انتساب حاتم به شاگردی در محضر امام صادق(ع) و نقل روایات مُسند از ایشان صحیح نباشد؛ زیرا از علی بن مدینی نقل است که حاتم، روایات را به صورت مرسل از امام صادق(ع) گزارش می کرده است. وی متوفای سال ۱۸۶ یا ۱۸۷ ق. است و سال های امامت

۱. عَلِيُّ بْنُ إِبرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: قُلْتُ لَهُ مَا تَقُولُ فِي رَجُلٍ قَالَ لِمَرْأَتِهِ أَنْتَ عَلَيٌّ حَرَامٌ فَأَيُّ نَرْوَى بِالْعِرَاقِ أَنْ عَلِيًّا (ع) جَعَلَهَا ثَلَاثًا فَقَالَ كَذَبُوا لَمْ يَجْعَلَهَا طَلَاقًا وَ لَوْ كَانَ لِي عَلَيْهِ سُلْطَانٌ لَأَوْجَعْتُ رَأْسَهُ...

امام صادق (ع) ۱۱۴ تا ۱۴۸ ق. بوده است، بنابراین، تقریباً چهل سال بین شهادت امام (ع) تا وفات حاتم فاصله وجود دارد، لذا اگرچه حاتم مدت زیادی از عمر خود را در مدینه گذرانده، با وجود این معلوم نیست که این حضور در هنگام حیات امام صادق (ع) باشد، حتی با فرض حضور حاتم در حیات امام صادق (ع)، معلوم نیست که با توجه به شرایط سیاسی آن زمان، با ایشان ملاقات داشته است.

شواهد دیگری نیز مؤید سخن علی بن مدینی است: ۱- اگر حاتم محضر امام (ع) را در مدینه درک کرده و حدیث نقل کرده باشد، قاعدتاً باید مانند روایانی چون حفص بن غیاث از امام کاظم (ع) - که سی و پنج سال از امامتش را در مدینه گذرانده است - روایت می‌کرد؛ ۲- یکی از شروط بخاری در نقل روایات، لقای راوی و مروی عنه است و با آن‌که وی از حاتم روایاتی گزارش کرده، اما در سند هیچ یک از آن‌ها، امام صادق (ع) دیده نمی‌شود. برخلاف بخاری، مسلم - که در نقل روایت، لقا را شرط ندانسته و صرفاً، هم‌عصر بودن را کافی می‌داند - چند روایت به واسطه حاتم بن اسماعیل از امام صادق (ع) نقل کرده است.

در جوامع روایی فریقین، از حاتم روایات فراوانی در موضوعات مختلف معارفی، فقهی و سیره به نقل از امام صادق (ع) وجود دارد. به رغم مضمون صحیح بسیاری از آن‌ها، در مجعول یا محرّف بودن پاره‌ای از آن‌ها هیچ تردیدی نیست. وجود حاتم در اسناد آن‌ها از سه حالت خارج نیست: ۱- جعل یا تحریف روایات به وسیله حاتم؛ ۲- نقل ناآگاهانه و غیر متعمدانه روایات بر ساخته واضعان و انتساب آن‌ها به امام صادق (ع)؛ ۳- جعل حدیث به وسیله واضعان و قرار دادن نام حاتم در اسناد.

از این سه احتمال، احتمال اول به دلیل جایگاه روایی حاتم در میان فریقین منتفی است، لذا یا براساس احتمال دوم روایات از زبان امام صادق (ع) جعل شده و چون حاتم نزد امام (ع)، حاضر نبوده و مستقیماً حدیث را نشنیده است، به راوی یا راویان اعتماد کرده و روایات را گزارش نموده است، یا طبق احتمال سوم، جاعلان حدیث، برای قبولاندن روایت، علاوه بر جعل متن حدیث، سند آن را نیز وضع کرده و نام حاتم را در اسناد گنجانده‌اند. بنابراین، در مواجهه با روایات حاتم از امام صادق (ع) باید با احتیاط برخورد کرد و در مُسند بودن آن‌ها تردید نمود و روایات او را مرسل تلقی کرد.

منابع و مأخذ

١. ابنا بسطام، عبد الله و حسين؛ طب الائمة عليهم السلام؛ به كوشش: محمدهدى خرسان، ج ٢، قم: دار الشريف الرضى، ١٤١١ ق.
٢. ابن أبى الدنيا، عبدالله بن محمد بغدادى؛ مكارم الاخلاق؛ به كوشش: مجدى السيد ابراهيم، قاهره: مكتبة القرآن، بى تا.
٣. ابن حبان، محمد؛ الثقات؛ حيدر آباد هند: مؤسسة الكتب الثقافية، ١٣٩٣ ق.
٤. —؛ صحيح ابن حبان؛ به كوشش: شعيب الأرنؤوط، ج ٢، بى جا: مؤسسة الرسالة، ١٤١٤ ق.
٥. ابن حجر عسقلانى، احمد بن على؛ تقريب التهذيب؛ به كوشش: مصطفى عبدالقادر عطا، بيروت: دارالكتب العلمية، ١٤٠٥ ق.
٦. —؛ تهذيب التهذيب؛ بيروت: دارالفكر، ١٤٠٤ ق.
٧. —؛ فتح البارى؛ بيروت: دارالمعرفة، بى تا.
٨. ابن خلّكان، أحمد بن محمد؛ وفيات الاعيان وانباء أبناء الزمان؛ لبنان: دارالثقافة، بى تا.
٩. ابن داود حلى، حسن بن على؛ الرجال؛ نجف: منشورات مطبعة الحيدرية، ١٣٩٢ ق.
١٠. ابن راهويه، إسحاق؛ مسند ابن راهويه؛ به كوشش: عبدالغفور عبدالحق حسين برد البلوسى، مدينه: مكتبة الإيمان، ١٤١٢ ق.
١١. ابن سعد، محمد بن سعد بن منيع؛ ترجمه: الامام الحسن (ع) من القسم غير مطبوع من كتاب الطبقات الكبير؛ قم: مؤسسة آل البيت (ع)، ١٤١٦ ق.
١٢. —؛ الطبقات الكبرى؛ بيروت: دارصادر، بى تا.
١٣. ابن كثير دمشقى، ابوالفداء إسماعيل بن عمر؛ تفسير القرآن العظيم؛ به كوشش: محمدهسين شمس الدين، بيروت: دارالكتب العلميه، ١٤١٩ ق.
١٤. ابن ماجه، محمد بن يزيد القزوينى؛ السنن؛ به كوشش: محمد فؤاد عبد الباقي، بيروت: دار الفكر، بى تا.
١٥. أبو داود، سليمان بن الأشعث السجستاني؛ السنن؛ به كوشش: سعيد محمد اللحام، بيروت: دارالفكر، ١٤١٠ ق.
١٦. بخارى، محمد بن اسماعيل؛ التاريخ الكبير؛ ديار بكر: المكتبة الإسلامية، بى تا.
١٧. —؛ خلق أفعال العباد؛ بيروت: مؤسسة الرسالة، ١٤٠٤ ق.
١٨. —؛ صحيح البخارى؛ بيروت: دارالفكر، ١٤٠١ ق.
١٩. برقى، احمد بن محمد؛ المحاسن؛ ج ٢، قم: دارالكتب الاسلاميه، ١٣٧١ ق.

۲۰. —؛ رجال برقی؛ تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۲ ق.
۲۱. بیهقی، أحمد بن الحسین؛ السنن الکبری؛ بی‌جا: دارالفکر، بی‌تا.
۲۲. —؛ معرفة السنن و الآثار؛ به کوشش: سید حسن کسروی، بیروت: دارالکتب العلمیه، بی‌تا.
۲۳. ترمذی، محمد بن عیسی؛ السنن؛ به کوشش: عبد الوهاب عبد اللطیف، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۳ ق.
۲۴. جعفریان، رسول؛ حیات فکری و سیاسی امامان شیعه (ع)؛ ج ۱۰، قم: انصاریان، ۱۳۸۶ ش.
۲۵. حاکم نیشابوری، محمد بن عبد الله؛ المستدرک علی الصحیحین؛ تحقیق: یوسف عبدالرحمن المرعشلی، بی‌جا: بی‌نا، بی‌تا.
۲۶. حموی، شهاب الدین یاقوت بن عبدالله؛ معجم البلدان؛ ج ۲، بیروت: دارصادر، ۱۹۹۵ م.
۲۷. خضری و دیگران، سید احمد رضا؛ تاریخ تشیع؛ تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۳ ش.
۲۸. خلف باجی، ابن ایوب سلیمان بن خلف؛ التعدیل و التجریح؛ مراکش: وزارة الأوقاف و الشؤون الإسلامية، بی‌تا.
۲۹. خوبی، ابوالقاسم؛ معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرواة؛ ج ۵، تهران: نشر ثقافة الاسلام، ۱۴۱۳ ق.
۳۰. دارقطنی، علی بن عمر؛ السنن؛ بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۷ ق.
۳۱. دارمی، عبدالله بن الرحمن؛ سنن الدارمی؛ دمشق: مطبعة الحديث، ۱۳۴۹ ق.
۳۲. ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد؛ تاریخ الاسلام؛ بیروت: دارالکتب العربی، ۱۴۰۷ ق.
۳۳. —؛ تذکرة الحفاظ؛ بیروت: دارإحياء التراث العربی، بی‌تا.
۳۴. —؛ سیر أعلام النبلاء؛ بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۱۳ ق.
۳۵. —؛ میزان الاعتدال؛ تحقیق: علی محمد البجاوی، بیروت: دارالمعرفة، ۱۳۸۲ ق.
۳۶. رازی، ابن ابی حاتم؛ المرح و التعدیل؛ بیروت: دارإحياء التراث العربی، ۱۳۷۱ ق.
۳۷. راوندی، قطب الدین؛ الخرائج و المجرائح؛ قم: مؤسسه امام مهدی (عج)، ۱۴۰۹ ق.
۳۸. سبحانی، جعفر؛ کلیات فی علم الرجال؛ قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه، ۱۴۱۰ ق.
۳۹. —؛ مصادر فقه الاسلامی و منابعه؛ بی‌جا: بی‌نا، بی‌تا.
۴۰. شافعی، محمد بن ادريس؛ المسند؛ بیروت: دارالکتب العلمیه، بی‌تا.
۴۱. شهرستانی، سیدعلی؛ وضوء النبي (ص)؛ قم: انتشارات ستاره، ۱۴۲۰ ق.
۴۲. صدوق، ابو جعفر محمد بن علی؛ معانی الاخبار؛ به کوشش: علی اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۴ ق.
۴۳. —؛ من لا یحضره الفقیه؛ به کوشش: علی اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ ق.

۴۴. صفار، محمد بن حسن؛ *بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد(ص)*؛ به کوشش: محسن کوچه باغی، قم: مکتبه آية الله المرعشي النجفی، ۱۴۰۴ ق.
۴۵. صفدی، صلاح الدين خليل بن أيبك بن عبدالله؛ *الوافي بالوفيات*؛ بيروت: داراحياء التراث، ۱۴۲۰ ق.
۴۶. طبرانی، سليمان بن احمد؛ *المعجم الاوسط*؛ بی جا: دارالحرمين، ۱۴۱۵ ق.
۴۷. —؛ *المعجم الكبير*؛ به کوشش: حمدي عبدالمجيد السلفی، ج ۲، بی جا: داراحياء التراث العربي، ۱۴۰۴ ق.
۴۸. طبری، ابوجعفر محمد بن جرير؛ *تاريخ الطبری (تاريخ الامم والملوک)*؛ بيروت: دارالتراث، ۱۳۷۸ ق.
۴۹. طوسی، محمد بن حسن؛ *الامالی*؛ قم: دار الثقافة، ۱۴۱۴ ق.
۵۰. —؛ *الرجال*؛ نجف: انتشارات حیدریه، ۱۳۸۱ ق.
۵۱. —؛ *تهذيب الاحكام*؛ تهران: دارالکتب الاسلاميه، ۱۴۰۷ ق.
۵۲. —؛ *فهرست کتب الشيعه و اصولهم و أسماء المصنفين و أصحاب الاصول*؛ قم: انتشارات ستاره، ۱۴۲۰ ق.
۵۳. عاملی، حسن بن زين الدين؛ *منتقى الجمعان*؛ به کوشش: علی أكبر غفاری، قم: مؤسسه النشر الإسلامی، بی تا.
۵۴. عجلی، احمد بن عبدالله؛ *معرفة الثقات*؛ المدينة المنورة: مکتبه الدار، ۱۴۰۵ ق.
۵۵. قاری، ملاعلی؛ *شرح مسند أبي حنيفة*؛ بيروت: دارالکتب العلمية، بی تا.
۵۶. قرشی، باقر شریف؛ *حياة الامام الحسن بن علی(ع)*؛ بيروت: دارالبلاغه، ۱۴۱۳ ق.
۵۷. کجوری شیرازی، مهدی؛ *الفوائد الرجالية*؛ به کوشش: محمدکاظم رحمان ستایش، بی جا: دارالحديث، ۱۳۸۲ ش.
۵۸. کشی، محمد بن عمر؛ *رجال الکشي*؛ مشهد: مؤسسه نشر دانشگاه مشهد، ۱۴۰۹ ق.
۵۹. کلینی، محمد بن یعقوب؛ *الکافي*؛ ج ۴، تهران: دارالکتب الاسلاميه، ۱۴۰۷ ق.
۶۰. کوفی، ابن أبي شيبة عبد الله بن محمد؛ *المصنف*؛ بيروت: دارالفکر، ۱۴۰۹ ق.
۶۱. مزی، جمال الدين يوسف؛ *تهذيب الکمال*؛ به کوشش: بشار عواد معروف، بيروت: مؤسسه الرسالة، ۱۴۰۶ ق.
۶۲. مسعودی، أبو الحسن علی بن حسین؛ *مروج الذهب و معادن الجواهر*؛ به کوشش: اسعد داغر، ج ۲، قم: دار الهجرة، ۱۴۰۹ ق.
۶۳. مسلم، مسلم بن حجاج قشیری نیشابوری؛ *الصحيح*؛ بيروت: دارالفکر، بی تا.
۶۴. مطهری، مرتضی؛ *سیری در سیره ائمه اطهار(ع)*؛ ج ۴، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۸۳ ش.
۶۵. مظفر، محمدحسین؛ *الامام الصادق(ع)*؛ قم: دفتر نشر اسلامی جامعه مدرسین، ۱۴۲۱ ق.
۶۶. معروف الحسینی، هاشم؛ *سيرة الائمة الاثني عشر(ع)*؛ نجف: المکتبه الحیدریه، ۱۳۸۲ ق.

۶۷. مفید، محمد بن محمد؛ *الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد*؛ به کوشش: مؤسسة آل البيت(ع)، قم: انتشارات کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.
۶۸. نجاشی، احمد بن علی؛ *الفهرست*؛ ج ۶، قم: مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۳۶۵ ش.
۶۹. نسائی، احمد بن علی؛ *السنن*؛ بیروت: دارالفکر، ۱۳۴۸ ق.
۷۰. —؛ *الضعفاء و المتروکین*؛ بیروت: انتشارات دارالمعرفة، ۱۴۰۶ ق.
۷۱. نیشابوری، عبد الله بن الجارود؛ *المنتقى من السنن المسندة*؛ به کوشش: عبدالله عمر البارودی، بیروت: دارالجنان و مؤسسة الکتب الثقافية، ۱۴۰۸ ق.